

سرقت ادبی

با همان مقدمه و تعلیقات ولی با نام خود منتشر می‌کند، فقط تفاوت در مقدمه‌ای است که توسط یکی از محققان بنام برآن افزوده شده است. ناشر اثر هم انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، دانشگاه تهران، و مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌هاست که علی‌القاعده نباید بدون بررسی و داوری دقیق اثری را منتشر کنند که شاید این بار چنین کرده‌اند. ظاهراً قرار بوده که به عنوان پژوهش و یا کتاب سال هم معرفی شود! که از اقبال خوش ناشران و ناخوش مؤلف صوری چنین نشده است و گرنه مصداق کلام مولانا می‌شد که:

ای بریده دست دزدی کو بدزدد حکمتم
وانگهی دکان بگیرد بر سر بازار من
مثال بالا نمونه‌ی گانه‌ای نیست. این روزها به کرات ناظر این پدیده‌ی نامبارک هستیم. بارها شاهد بوده‌ایم که آثاری از گذشته و حال را حتی بدون حروفچینی مجدد و فقط با تغییر صفحه‌ی عنوان برای فهرست‌نویسی پیش از انتشار به کتابخانه ملی ارائه داده‌اند. چندی

ویلسون میزner^۱ به جد یا به طنز می‌گوید: دزدیدن از یک نویسنده سرقت ادبی است، اما سرقت از چند نویسنده پژوهش است. فردی شاید به نیت ابطال این سخن! کتابی از آقای علی‌نقی منزوی را یکجا و بدون هیچ تغییری به نام خود منتشر کرده است و در صفحه‌ی حقوق نوشته است: حقیقه و قدم‌له و علق علیه محمد... و تحقیق و مقدمه و تعلیقات را همه به نام خود کرده و متواضعانه آن را به سه تن از استادان خود نیز هدیه کرده است و لابد انتظار داشته است که کسی هم متوجه این سرقت آشکار نشود تا نشان دهد که برخلاف نظر میزner سرقت از یک نویسنده هم ممکن است سرقت ادبی محسوب نشود. در بیش از سه دهه پیش که آقای منزوی دانشجوی دانشگاه یسوعی بیروت بود کتابی از سعدبن منصور ابن کمونه را تصحیح کرده و برآن مقدمه و تعلیقاتی افزوده است. فرد خاطی که کهولت و بیماری مؤلف را می‌بیند کتاب را با عنوان *تنفیح الابحاث للملل الثلاث*



پیش دو اثر پژوهشی برای داوری به یکی از استادان ارجاع شده بود. ظاهراً این داوری برای گزینش آثار برتر در حوزه‌ای خاص در سطح کشور انجام می‌شد. متن این دو اثر عیناً از روی یک متن کپی شده بود و فقط عنوان‌ها و پژوهشگران! با هم متفاوت بودند. اینان چنان در این عمل خلاف جری شده و حریم اندیشه را بی‌حرمت یافته‌اند که نه تنها سرقت می‌کنند بلکه با مال غیر! می‌خواهند پژوهشگر برگزیده هم بشوند.

اخیراً ابراهیم افشار در وبلاگ گفت‌وگو طی نوشته مشفقانه‌ای با عنوان «چگونه مرتکب سرقت علمی نشویم» شکل‌های مختلف سرقت علمی را برشمرده‌اند؛ باید از ایشان خواست تا مطلب دیگری را نیز با عنوان «چگونه با نوشته دیگران پژوهشگر نشویم» پدید آورند.

الگوی بارز و آشکار این بداخلاقی‌ها مؤسساتی هستند که به کار خلق پایان‌نامه و پژوهش مشغول‌اند و نمره را هم بیمه می‌کنند. یکی از گردانندگان این مؤسسات گفته بود که ما بانک هزاران پایان‌نامه دفاع شده را پدید آورده‌ایم و هر نوع سفارش را با کپی از قسمت‌های مختلف این پایان‌نامه‌ها و چسباندن آنها کنار یکدیگر و یک ویرایش سریع انجام می‌دهیم.

فناوری‌های نوین می‌تواند تشدیدکننده و

هم افشاگر این نوع تخلفات باشد. سهولت انتقال و تکثیر و دسترسی به حجم عظیمی از اطلاعات ممکن است وسوسه‌گر باشد. اما همین فناوری در بسیاری از زمینه‌ها موجب شفافیت و برملاسازی شده است.

رعایت امانت در پژوهش و تأکید بر حقوق مادی و معنوی پدیدآورندگان آثار از مهم‌ترین آموزه‌هایی است که باید در گروه‌های کتابداری تدریس شود و کتابداران و کتابخانه‌ها بدان پایبند باشند. ضروری است که نهادهای مسئول راهکارهای حقوقی و قانونی این حمایت را فراهم آورند و در اجرای آن نیز کوشا باشند. بسیاری از ملت‌ها در مسیر تکامل اندیشه به این نکته گوه‌رین دست یافته‌اند که برای اعتلای بیشتر باید به شدت از حقوق معنوی و مادی افراد حمایت کنند. در خبرها آمده بود که شرکت مایکروسافت به علت عدم رضایت حق مالکیت فناوری صوتی از سوی دادگاهی در شهر «سن‌دیه‌گو» به پرداخت یک میلیارد و پانصد و بیست میلیون دلار به شرکت آلکاتل فرانسوی محکوم شده است. جدی گرفتن مسئله حقوق پدیدآورندگان و دفاع از آن و برخورد قاطع با خاطیان بدون شک موجب بالندگی و رشد اندیشه‌شده، نوآوری و پویایی را به دنبال خواهد داشت.